

امنیت اجتماعی و عوامل مؤثر در آن

در قرآن و حدیث

□ یسرا آگاه^۱

□ دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده علوم قرآنی تهران

چکیده

امنیت اجتماعی در یک جامعه، معادل کاهش آسیبهای اجتماعی است. امنیت با برآورده شدن جمیع حقوق مردم نسبت برقرار می‌کند که این همان تعریف عدالت است. جایگاه امنیت اجتماعی در اولویت اول شهروندان است. فقر، بیکاری و آسیبهای اجتماعی همچون انواع سرقت، کلاهبرداری، تجاوز، باندهای سرقت و قتل مسلحانه کودکان و زنان خیابانی، اعتیاد، فحشا و مهاجرت از مهمترین مصادیق و شاخصهای امنیت اجتماعی است.^۲ ایجاد امنیت به مشارکت مردم و دولت نیازمند است. امنیت دارای سطوح فردی، جمعی، بین‌المللی و جهانی است و همه این سطوح به هم وابسته هستند و از هم قابل تفکیک نمی‌باشند. واژگان کلیدی: امنیت اجتماعی، امنیت سیاسی، مشارکت مردم، قرآن، حدیث.

1. poopak_a_63@yahoo.com

۲. آدرس اینترنتی www.foreigninvestment.blogfa.com سرمایه‌گذاری خارجی در ایران = اقتصاد سیاسی و مسئولیت اجتماعی شرکتها/ فروردین ۱۳۸۴.

۱. تعریف امنیت

امنیت (حالت مصدر) برگرفته از واژه امن است. امن ضد ترس و به گفته برخی نقیض آن است (ر.ک: بقره/۱۲۶؛ نساء/۹۱؛ مائده/۲؛ یوسف/۹۹؛ ابراهیم/۳۵؛ نحل/۱۱۲؛ نور/۵۵؛ شعراء/۱۴۲ و ۱۴۶؛ قصص/۵۷؛ تین/۳؛ قریش/۴). امنیت^۱ در لغت حالت فراغت از خطر و هرگونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله را گویند. در اصطلاح سیاسی و حقوقی به صورت امنیت فردی و امنیت اجتماعی، امنیت ملی و امنیت بین‌المللی به کار برده می‌شود (آلن بیرو، ۱۳۷۰: ۱۴۲/۲). امنیت یعنی اینکه حاکمیت بتواند فضایی ایجاد کند که اقشار مختلف مردم در کمال آرامش به فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی بپردازند.

۱-۱. امنیت اجتماعی^۲ حالت فراغت همگانی از تهدیدی است که کردار غیرقانونی دولت یا دستگاه یا فرد یا گروهی در تمام یا بخشی از جامعه پدید آورد. در نظام حقوق جدید فرض بر این است که قانون با تعریف آزادیها و حقوق فرد و کیفر دادن کسانی که از آن حدود پا را فراتر گذاشته‌اند، امنیت فردی و اجتماعی را پاسبانی می‌کند و دستگاه پلیس دادگستری مأمور اجرای قانون و حمایت از فرد و جامعه در برابر قانون‌شکنان است.

در امنیت جمعی^۳ اصل، حفظ صلح بین‌المللی است. کوششهای هماهنگ کشورها در جهت آن، به ویژه کوششهای سازمانهای بین‌المللی و بالاتر از همه، سازمان ملل متحد ضامن آن شمرده می‌شود (آشوری، بی‌تا: واژه امنیت).

۲-۱. امنیت فردی^۴ حالتی است که در آن فرد فارغ از ترس آسیب رسیدن به جان و مال یا آبروی خود یا از دست دادن آنها زندگی می‌کند.

تجلی ایمنی در اجتماع به صورت آسایش و آرامش رفتاری است که اگر در این مسیر به هر دلیلی خللی وارد شود و انسان نتواند نیازهای خود را برآورده کند

1. Security.
2. Social security.
3. Collective security.
4. Individual security.

ناکام می‌شود و احساس نارضایتی و ترس به او دست می‌دهد. تجلی این حالت درونی، در بیرون به صورت رفتار و حرکاتی نابهنجار و خشن است (الن بیرو، ۱۳۷۰: ۱۴۲/۲).

با استناد به آیات قرآن به این نکته می‌رسیم که اشتباه است تصور کنیم انسان به لحاظ روح و فطرت پاک، اگر در فضای کاملاً آزاد و بی‌قید قرار گیرد، به تعالی می‌رسد؛ زیرا بدون ارشاد، انسان به انحراف و انحطاط نزدیک‌تر خواهد بود تا به رشد و تعالی.

۲. امنیت مهمترین شرط یک زندگی سالم اجتماعی

امنیت نخستین و مهمترین شرط یک زندگی سالم اجتماعی است. ذوالقرنین برای فراهم آوردن امنیت نسبت به قومی که مورد تهدید قرار گرفته بودند، پرزحمت‌ترین کارها را بر عهده گرفت و برای جلوگیری از مفسدان، از نیرومندترین سدها استفاده کرد (کهف/ ۹۲-۹۴)؛ سدی که در تاریخ ضرب‌المثل شده و سمبل استحکام، دوام و بقاست.

می‌گویند: اصولاً تا جلوی مفسدان را با قاطعیت و به وسیله نیرومندترین سدها نگیرند، جامعه روی سعادت نخواهد دید.

از این رو حضرت ابراهیم علیه السلام هنگام بنای کعبه نخستین چیزی که از خدا برای آن سرزمین تقاضا کرد نعمت امنیت بود (ابراهیم/ ۳۵) و سخت‌ترین مجازات‌ها (مائده/ ۳۳) در فقه اسلامی برای کسانی در نظر گرفته شده است که امنیت جامعه را به خطر می‌افکنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۲/۵۳۸-۵۳۹).

این شدت عمل فوق‌العاده‌ای که اسلام در مورد محارب‌ان به خرج داده، برای حفظ خون بی‌گناهان و جلوگیری از حملات و تجاوزهای افراد قلدر، زورمند، جانی، چاقوکش و آدمکش، به جان، مال و نوامیس مردم بی‌گناه است (همان: ۳۶۱/۴).

در حقیقت معنای این وعده الهی، وعده به ترقی مجتمع بشری در تمدن و نزدیک شدن امت‌های مختلف به یکدیگر است، به طوری که دیگر هیچ سد و مانع و

دیواری جلوی انتقال آنان را از هر طرف دنیا به هر طرف دیگر نگیرد و به هر قومی بخواهند بتوانند هجوم بیاورند (طباطبایی، ۱۳۷۶: ۱۶/۵۴۳).

کسانی که می‌خواهند سرزمینی آباد، آزاد و مستقل داشته باشند، باید قبل از هر چیز به مسئله امنیت (نحل/۱۱۲) پرداخت، سپس مردم را به آینده خود در آن منطقه امیدوار ساخت و به دنبال آن چرخهای اقتصادی را به حرکت درآورد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۱/۴۳۳).

در آیات فوق بعد از ذکر نعمتهای سه گانه (از جمله امنیت) می‌گوید:

﴿و لقد جاء هم رسول منهم﴾ (نحل/۱۱۳) و به یقین، فرستاده‌ای از خودشان برایشان آمد (طباطبایی، ۱۳۷۶: ۱۲/۳۸۸).

در این آیه قحطی و ناامنی، نتیجه کفران نعمت بیان شده است. در حقیقت همان گونه که در آغاز، نعمت امنیت و رفاه تمام وجود آنها را پر کرده بود، در پایان نیز بر اثر کفران، فقر و ناامنی به جای آن نشست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۱/۴۳۴).

۳. امنیت کامل و همه‌جانبه اجتماعی

اسلام می‌خواهد در جامعه امنیت کامل حکم فرما باشد (حجرات/ ۱۱ و ۱۲؛ سبأ/ ۱۵ و ۱۸؛ شعراء/ ۱۴۱ و ۱۴۶؛ فیل/ ۱ و ۵؛ قریش/ ۱ و ۴؛ بقره/ ۱۲۶؛ یوسف/ ۹۹؛ فتح/ ۲۷؛ احزاب/ ۱۳؛ نور/ ۲۷)؛ مردم در عمل و با دست به یکدیگر هجوم نزنند؛ از نظر زبان و از آن بالاتر از نظر اندیشه و فکر، در امان باشند و هر کس احساس کند که دیگری حتی در منطقه افکار خود، تیرهای تهمت را به سوی او نشانه‌گیری نمی‌کند. این امنیتی است در بالاترین سطح که جز در یک جامعه مؤمن و مذهبی امکان پذیر نیست.

دستورهای شش گانه‌ای که در آیاتی از سوره حجرات (۱۱ و ۱۲) مطرح شده است (ر.ک: حر عاملی، ۱۳۹۵: ۲۱/۴۰۰؛ مجلسی، ۱۳۶۴: ۷۲/۱۴۲ و ۱۹۳؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۱۰/۱۴۶؛ ورام، بی‌تا: ۱۰۸/۱؛ دیلمی، ۱۴۱۲: ۱/۱۶۶) (نهی از سخریه، عیب‌جویی، القاب زشت، گمان بد، تجسس و غیبت)، هر گاه به طور کامل در یک جامعه پیاده شود،

۱. اشاره به اینکه امنیت واقعی در عرصه ظهور مهدی علیه السلام حاصل می‌شود.

آبرو و حیثیت افراد جامعه را از هر نظر بیمه می‌کند؛ نه کسی می‌تواند گمان بد به دیگری ببرد، نه در زندگی خصوصی افراد به جستجو پردازد، و نه عیب پنهانی را برای دیگران فاش کند. به بیان دیگر، انسان چهار سرمایه دارد که همه آنها باید در دژهای این قانون قرار گیرد و محفوظ باشد: جان، مال، ناموس و آبرو.

گمان بد نه تنها به طرف مقابل و حیثیت او لطمه وارد می‌کند که برای صاحب آن نیز بلایی بزرگ است، زیرا سبب می‌شود که از همکاری با مردم و تعاون اجتماعی کناره‌گیری کند، و دنیایی وحشتناک و آکنده از غربت و انزوا فراهم سازد (ر.ک: فیض کاشانی، ۱۳۸۳: ۲۶۸/۵؛ شهید ثانی، ۱۳۹۰: ۳).

در آیات از بسیاری از گمانها نهی شده است (حجرات/۱۲) و در مقام تعدیل می‌گوید: زیرا «بعضی» از گمانها گناه است.^۱ این تفاوت تعبیر ممکن است از این جهت باشد که گمانهای بد برخی مطابق با واقع است و برخی مخالف واقع. آنکه مخالف واقع است به طور قطع گناه است. البته منظور از نهی، نهی از ترتیب آثار است، یعنی هرگاه گمان بدی نسبت به مسلمانی در ذهن شما پیدا شد، در عمل کوچکترین اعتنایی به آن نکنید، امروز رفتار خود را دگرگون نسازید و مناسبات خود را با طرف تغییر ندهید، بنابراین، آنچه گناه است ترتیب اثر دادن به گمان بد می‌باشد.

در روایات (حلی، ۱۴۱۱: ۶۴۲؛ شهید ثانی، ۱۴۰۹: ۳۳۲؛ کلینی، ۱۳۷۰: ۲۶۲/۲، ح ۳) دستور داده شده که اعمال برادرت را بر نیکوترین وجه ممکن حمل کن، تا دلیلی بر خلاف آن پیدا شود و هرگز نسبت به سخنی که از برادر مسلمانان صادر شده گمان بد مبر، مادام که می‌توانی محمل نیکی برای آن بیابی.

این دستور اسلامی از جامعترین و حساب‌شده‌ترین دستورها در زمینه روابط اجتماعی انسانهاست که مسئله امنیت را به طور کامل در جامعه تضمین می‌کند. در بخشی دیگر از آیه، «نهی از تجسس» را مطرح کرده، به تعبیر دیگر اسلام می‌خواهد مردم در زندگی خصوصی خود از هر نظر در امنیت باشند. بدیهی است اگر اجازه

۱. «إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ» (حجرات/۱۲).

داده شود هر کس به جستجو درباره دیگران برخیزد، حیثیت و آبروی مردم بر باد می‌رود و جهنمی به وجود می‌آید که همه افراد اجتماع در آن معذب خواهند بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۸۳/۲۲ و ۱۸۴).

۴. عوامل مؤثر در امنیت اجتماعی

۱-۴. عدالت

امنیت با برآورده شدن جمیع حقوق مردم، نسبت برقرار می‌کند و این همان تعریف عدالت و عدالت واقعی در نظام اسلامی است. این نظام، نیروها را به هدر نمی‌دهد، هیچ عملی ضایع نمی‌ماند (آل عمران/ ۱۹۵) به حساب ذره ذره آن رسیدگی می‌شود (زلزال/ ۷ و ۸). این خود دلیلی است بر وجود عدل در نظام اسلامی.

قرآن در کمال صراحت «عدالت اجتماعی» را به عنوان هدف بعثت انبیا معرفی کرده است (حدید/ ۲۵). پس همه پیغمبران برای برقرار کردن عدالت آمده‌اند. برای اینکه بشر در این دنیا بتواند به معنویت کامل برسد باید در دنیا زندگی کند، زندگی بشر جز در پرتو اجتماع امکان‌پذیر نیست و زندگی اجتماعی جز در پرتو عدالت استقرار پیدا نمی‌کند. پس قانون و عدالت، همه مقدمه این است که انسان بتواند در این دنیا با خیال راحت خدا را عبادت کند. اگر این نباشد، عدالت هیچ ارزشی ندارد.

بنابراین، مسائل اجتماعی که امروز برای آنها اینقدر اهمیت قائل هستیم و آنها را در زمینه عدالت طرح می‌کنیم، هدف انبیا هستند، ولی نه هدف اولی بلکه هدف ثانوی؛ یعنی مقدمه‌اند برای هدف دیگر. قرآن اصل عدالت را می‌پذیرد و برای آن اهمیت و ارزش قائل است، نه به عنوان اینکه عدالت هدف نهایی است، و یا اینکه عدالت مقدمه است برای اینکه انسان در این دنیا خوش زندگی کند همان خوشی‌ای که ما درک می‌کنیم، بلکه زندگی خوش دنیا را هم در سایه نوعی توحید، عملی می‌داند (مطهری، ۱۳۷۴: ۸۲-۸۴).

از نظر موازین اسلامی و تعالیم دینی، اجرای عدالت حتی در اختصاص دادن

چیزی، هدیه‌ای (ر.ک: علامه حلی، ۱۴۰۹: ۱۵۷، ۱۶۱ و ۱۶۲؛ شوستری، ۱۳۶۷: ۸؛ حلی، ۱۴۰۴: ۹۵؛ سید ابن طاووس، ۱۴۰۹: ۲۰۶؛ شیخ مفید، *الفصول المختاره*، ۱۴۱۳: ۵۶؛ ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸: ۱۰۳؛ علامه حلی، ۱۴۰۷: ۴۹۸)، دانه میوه‌ای و... به فرزند نیز مطرح است و بر آن تأکید شده است. در این حدیث عظیم، نکته تربیتی و سازنده دیگری وجود دارد و آن، رابطه ناگستنی میان «تقوا» و «عدالت» است، چه عدالت خانوادگی، چه عدالت اجتماعی (آل عمران/ ۱۳۰؛ ر.ک: محدث نوری، ۱۴۰۸: ۲۱۹/۱۱ و ۳۲۰؛ ۳۱۶/۳۷؛ تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۹۹ و ۳۴۰؛ وزام، بی تا: ۲۹۰/۲؛ حرانی، ۱۳۸۲: ۲۳۶؛ مجلسی، ۱۳۶۴: ۲۳۲/۷۵).

افراد جامعه باید از عوامل برهم‌زننده تعادل روانی، اضطراب، ناکامی، تعارض و... مصونیت داشته باشند تا بتوانند هر کدام در جای خود و در شغل و کار خویش، منشأ اثری مفید و کارا باشند. روشن است که همه این امور، در جامعه‌هایی که عدالت بر آنها حاکم باشد تحقق خواهد یافت (حکیمی، ۱۳۷۹: ۱۲۰-۱۲۲ و ۱۳۸). عدالت اجتماعی در گرو عدالت اخلاقی است و کسی که قوه و صفات خود را اصلاح نکرده باشد، شایستگی سیاست مردم را ندارد و لایق ریاست شهر و سروری مملکت نیست. عدالت امری درونی است، هر کس ابتدا باید عدالت درونی را در خود ایجاد کند تا بتواند مصلح و عامل عدالت در خارج از خودش هم باشد.

عدالت نقش زیربنایی امنیت اجتماعی را بازی می‌کند و اگر در جامعه‌ای عدالت کامل برقرار باشد کسی بر حقوق دیگری تجاوز نمی‌کند و در عین حال خواهان چیزی بیشتر از حق خود نخواهد بود؛ در نتیجه انگیزه‌ای برای تجاوز به حقوق دیگران وجود نخواهد داشت. از طرفی از عوامل مؤثر در افزایش آسیبهای اجتماعی، وجود بی‌عدالتی در جامعه است که در صورت برقرار بودن عدالت در جامعه، آسیبهای اجتماعی هم تحت تأثیر قرار خواهد گرفت و خواه ناخواه شاهد کاهش آنها در جامعه خواهیم بود.

در آیات قرآن (مائده/ ۸؛ نساء/ ۱۳۵)، یک اصل اساسی و یک قانون کلی درباره اجرای عدالت در همه موارد بدون استثنا ذکر شده است و به تمام افراد باایمان فرمان می‌دهد که قیام به عدالت کنند. تعبیر به قیام به این معناست که باید آن‌چنان

عدالت را اجرا کنید که کمترین انحرافی به هیچ طرف پیدا نکند. این آیات توجه فوق العاده اسلام را به مسئله عدالت اجتماعی در هر شکل و در هر صورت کاملاً روشن می‌سازد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۶۱/۴-۱۶۴).

معیار سنجش حق و عدالت منافع شخصی نیست. عدالت به معنی مساوات نیست (زخرف/ ۳۲؛ نجم/ ۳۹). عدالت به معنی این است که هر چیز در یک سازمان در جای خود قرار گیرد. بدون وجود تفاوت در حقوق مردم، جامعه، نظم و انتظامی نخواهد داشت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۵۳/۲۱ و ۵۴). مردم باید یاد بگیرند که به حق خود قانع باشند و خواستار تجاوز به حقوق دیگری و برابری حقوق نباشند تا در نتیجه هر روز شاهد امنیت بیشتر در جامعه باشیم.

۲-۴. تأثیر بحثهای کارشناسی بر امنیت اجتماعی

اصولاً در جامعه ما پرداختن به آسیبهای اجتماعی و بحث امنیت اجتماعی که به آن بستگی دارد، به شکل کارشناسی مطرح نمی‌شود. واقعیت این است که در هر جامعه‌ای پدیده‌های اجتماعی، بزهکاریها، ناهنجاریها و سایر مسائل وجود دارد.

جامعه یک سیستم است و یک سیستم به دفاع از خود می‌پردازد. این سیستم در برابر وقایع و پدیده‌هایی که نظم آن را تهدید می‌کند، واکنش نشان می‌دهد، پس اگر در جامعه، جنایتی هولناک صورت بگیرد واکنش جامعه طبیعی است. در این میان اگر کارشناسان کارشان را خوب انجام دهند، می‌توانند به جامعه و عناصر تأمین کننده امنیت، آگاهی دهند و مردم با واقعیت موجود آشنا می‌شوند.

۳-۴. تأثیر احساس ناامنی در گسترش آسیبهای اجتماعی

به این نکته باید توجه کرد که همیشه نسبتی از آن چیزی را که مردم احساس می‌کنند در واقعیت وجود دارد. بنابراین، اگر احساس ناامنی اجتماعی در جامعه وجود دارد این احساس تا حدودی واقعی است و این احساس گاهی می‌تواند در مراحل، بیشتر از خود ناامنی اجتماعی شود و آن زمانی است که مردم اطلاعات درست راجع به ابعاد ناامنیهای اجتماعی نداشته باشند.

دیدگاههای کم‌بینانه و بیش‌بینانه می‌تواند موجب ایجاد تشویش در جامعه شود. پدیده‌های اجتماعی هرگز پنهان نخواهند ماند و ابعاد واقعی آن روزی آشکار خواهد شد و آن موقع، ابعاد احساس ناامنی خیلی بیشتر از خود ناامنی است و این دو دیدگاه تبعات منفی خود را دارد.

واقعیت این است که خود احساس ناامنی هرچند که واقعی نباشد می‌تواند در ایجاد آسیبهای جدید مؤثر باشد؛ یعنی وقتی افراد احساس کنند که نظم اجتماعی دچار اختلال شده است، حاکمیت قانون و نظارت کم است، این مسئله در آنها دلهره ایجاد می‌کند و بخشهایی از گروههای جامعه که استعداد ناهنجاری در آنها هست در چنین فضایی دست به اقدامات هنجارشکن می‌زنند و جامعه را به سوی هرج و مرج پیش می‌برند.

احساس ناامنی زیاد باعث تبلور تمایلات غالب افراد می‌شود؛ پس احساس ناامنی می‌تواند در ایجاد ناامنیهای بعدی اثرگذار باشد.

۴-۴. ارتباط امنیت اجتماعی با امنیت سیاسی

تهدید عمده امنیتی، اکنون دیگر از نوع تهدیدهای مبتنی بر جنگ نیست، بلکه مسائلی چون تروریسم، قاچاق مواد مخدر، بیماریهای واگیردار، فاجعه‌های زیست محیطی و فقر عمومی را در بر می‌گیرد. در برابر امنیت نظامی، مفاهیم «امنیت انسانی» به گونه‌ای چشمگیر، بر اولویتهای سیاست‌گذاران کشورها اثر گذاشته است (ریبی، بی‌تا: ۱۴۳).

امنیت اجتماعی یک مقوله پیچیده و چندوجهی است و از سایر ابعاد امنیت، اعم از امنیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جدا نیست.

امنیت اجتماعی یک جنبه ذهنی و فردی و یک نمود اجتماعی دارد. جنبه فردی و ذهنی آن این است که فرد فراغت خاطری احساس کند و تمام افراد جامعه به مثابه ارگانیک زنده جامعه در این احساس مشترک هستند. نموده‌های اجتماعی آن، مشارکت مدنی مطلوب و بروز جرایم و آسیبهای اجتماعی کم است. هر جا که این پدیده‌های نابهنجار کم باشد، نشانه امنیت اجتماعی بالاست و از سویی هرچه پدیده

نابهنجار بالا باشد، نشانه امنیت اجتماعی کم است. در واقع این دو لازم و ملزوم یکدیگرند و رابطه علت و معلولی دارند. امنیت اجتماعی محصول تعامل دولت و مردم است.

نمی توان گفت که امنیت سیاسی و امنیت اجتماعی، کدام یک بر دیگری ارجح است؛ زیرا این دو، پایه های یک بنا هستند، اینها ارکان هیئت اجتماعی اند و ارکان و اجزای به وجود آورنده یک ساختار متناسب و منظم، هر کدام در جای خود اهمیت دارد؛ حتی اگر در تحلیل سیاسی و رایج، امنیت سیاسی مورد توجه باشد، امنیت اجتماعی پایه این نظم سیاسی است. به عبارت دیگر، در واقع باور و اعتماد مردم به آنها کمک می کند که با دولت مشارکت، همدلی و همگرایی داشته باشند؛ اگر حکومت شرایطی برایش به وجود آید که با فقدان مشارکت مواجه شود، بی تردید امنیت اجتماعی هم در معرض خطر قرار می گیرد. بدون شک، تأمین امنیت و حفظ جان، مال و آبروی افراد از هرگونه تهدید و تعرض، مستلزم وجود قدرت و اقتدار سیاسی است و این موضوع از اساسی ترین شرایط ایفای آن مسئولیتهاست.

در نتیجه ضعف اقتدار سیاسی و حکومتی، قانون شکنان و مجرمین و همه کسانی که مستعد و مهیای تعرض به منافع حیاتی مردم هستند، در اجرای منویات مجرمانه خود ترغیب می شوند و نسبت به تحقق بی دغدغه هرگونه ناامنی، جرأت و طمع می کنند. در چنین شرایطی مردم به قدرت حکومت در رفع و دفع عوامل ناامنی اعتماد ندارند و حاکمان را گرفتار بی ثباتی سیاسی می بینند و تصمیمات و فرمان آنان را غیر نافذ می شناسند و خود نیز همواره دچار ترس و اضطراب هستند. بنابراین، ضعف اقتدار سیاسی از سه جهت، عامل و زمینه ناامنی اجتماعی است: عدم توانایی عینی و واقعی حکومت در مقابله با مجرمان و هنجارشکنان؛ ایجاد فرصت، طمع و رغبت برای قانون شکنان و مهاجمان در تعرض به جان، مال و نوامیس مردم؛ عدم اعتماد شهروندان به دستگاههای حکومتی در برخورد با مجرمان و احساس بی پناهی در مقابل عوامل تهدید و تعرض.

نکته مهم این است که «صلاحیت سیاسی» غیر از «اقتدار سیاسی» است. گرچه

بخش قابل توجهی از منابع اقتدار سیاسی را شخصیت علمی، عقلی و اخلاقی حاکمان و زمامداران تشکیل می‌دهد، لکن منابع دیگری نیز وجود دارند که اگر مساعدت نکنند، به ضعف اقتدار سیاسی منجر می‌شود و بعید نیست که یک زمامدار دارای صلاحیت سیاسی، فاقد اقتدار سیاسی باشد (وائقی، ۱۳۸۰: ۶۱-۶۴).

جامعه نیازمند بازسازی دائمی می‌باشد. بدون همکاری نهادهای درون‌ساختاری و بازتولید امنیت از طریق شکل‌بندی هویتی نمی‌توان برای بقا و ارتقای نظام سیاسی امید چندانی داشت. از این‌رو، امنیت ملی در جوامع مختلف در شرایطی ارتقا می‌یابد که جامعه بتواند به همبستگی اجتماعی دست یافته و نظام سیاسی نیز قادر به تبدیل همبستگی اجتماعی به انسجام ساختاری باشد.

به عنوان مثال، در شرایطی که آسیب‌پذیرهای عراق افزایش یافت و آنها نتوانستند موقعیت خود را بازسازی نمایند، طبعاً آمریکاییها از تحریک مؤثرتری برای جایگاه‌یابی و قدرت‌یابی در عراق برخوردار شدند. به این ترتیب، عراق نتوانست معادله قدرت - امنیت را در کشمکش منطقه‌ای و بین‌المللی ادراک نماید.

بنابراین، کشوری که بدون توجه به بسته‌های محیطی در صدد گسترش قدرت خود باشد، به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر درگیر جدالهای پیش‌بینی‌نشده می‌شود و به این ترتیب موقعیت خود را از دست می‌دهد (متقی، ۱۳۸۳: ۱۰۷-۱۱۳).

تمامی ادبیات منتشرشده از سوی آمریکاییها به گونه‌ای سازماندهی شده است که زمینه را برای انجام جنگی از نوع جنگهای جدید علیه اهداف امنیتی ایران فراهم آورند. جلوه‌های چنین تعارضی را می‌توان در روند برگزاری اجلاسهای شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و همچنین سایر اجلاسهای بین‌المللی مشاهده کرد. بخش عمده‌ای از نبرد ایجادشده علیه اهداف امنیتی ایران ماهیت هنجاری و اندیشه‌ای دارد. در شرایط کنونی، شکل جدیدی از اندیشه‌های امنیتی در برخورد با اهداف فراگیر و منافع حیاتی ایران ظهور یافته است. دشمن از طریق تأثیرگذاری بر اندیشه، زمینه لازم برای انهدام اقتدار ملی کشورهایی از جمله ایران را فراهم می‌آورد. آنان ابزارهای متعددی از قدرت را در خدمت می‌گیرند؛ ابزارهای قدرت ملی آنان ترکیبی از ابزارهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری است (همان: ۱۲۱ و ۱۲۲).

پس نداشتن قدرت کافی برای حکومت یکی از عوامل سلب امنیت اجتماعی است.

جنگ از مؤلفه‌هایی است که باعث برهم خوردن امنیت ملی می‌شود (بقره/ ۱۹۰ و ۱۹۳) و در نتیجه چون تمامی ابعاد امنیت به هم مرتبط‌اند، امنیت اجتماعی را نیز تحت الشعاع قرار می‌دهد. این آیات و آیات مشابه آن هدف اصلی جنگ‌های اسلامی را روشن می‌سازد. اسلام می‌گوید: جنگجویان مسلمان همواره باید هدف اصلی خویش را در نظر داشته و بدانند که منظور از جهاد، خاموش کردن آتش فتنه و جلوگیری از ظلم و ستم و دعوت مردم به آیین حق است و همیشه شعارهای مبارزاتی خود را با نام خدا همراه کنند (حر عاملی، ۱۳۹۵: ۴۲۱/۲ و ۴۲۵: ۵۸/۱۵؛ محدث نوری، ۱۴۰۸: ۲۶۵/۲؛ کلینی، ۱۳۶۵: ۲۷/۵؛ شیخ طوسی، ۱۳۶۵: ۱۲۸/۶؛ مجلسی، ۱۳۹۴: ۱۷۷/۱۹؛ دیلمی، ۱۴۱۲: ۲۳۴/۲؛ نهج البلاغه، ترجمه شهیدی، بی‌تا: ۴۴، خ (۵۱).

از روایات (حر عاملی، ۱۳۹۵: ۶۶/۱۵؛ شیخ طوسی، ۱۳۶۵: ۱۴۰/۶؛ کلینی، ۱۳۶۵: ۳۰/۵) دانسته می‌شود که اسلام علاوه بر احترام شخصیت عموم سربازان و موضوع تساوی مسلمانان، برای خاتمه دادن به جنگ از هر فرصتی استفاده کرده و به دنبال بهانه می‌گردد که نزاع با مسالمت خاتمه پذیرد. اسلام که خود طالب امنیت است، جنگ را در هر صورت منع نموده، مگر آنکه برای جلوگیری از تعدی و یا خاموش ساختن آتش فتنه و آشوب باشد (بقره/ ۱۹۱) [که این خود نوعی بی‌امنی است و جنگ در این یک مورد در واقع برای ایجاد امنیت جایز شمرده شده است]. نکته قابل توجه دیگر در آیات این است که افشای اخبار امنیتی قبل از ارجاع آن به متصدیان امور از عوامل سلب امنیت جامعه (نساء/ ۸۳) شناخته شده است.

۴-۵. پلیس، مسئول امنیت اجتماعی

نگاه غالب جامعه این است که مسئول امنیت اجتماعی پلیس است، ولی امنیت اجتماعی از مردم و برای مردم است و دولت در این میان باید مدیریت و برنامه‌ریزی کند. اگر مشارکت مردم مخدوش شود از پلیس کاری ساخته نیست و امنیت مشکلی صوری پیدا می‌کند؛ یعنی ظاهراً امنیت هست چون پلیس هست، اما در

اعماق مناسبات اجتماعی آشوب، ناپهنجاری، تمایل به قانون‌گریزی و آسیبهای اجتماعی هست؛ در حالی که در سطح و ظاهر، ثبات وجود دارد، امنیت باید واقعی، عمیق، اجتماعی و مردمی باشد.

سخن اصلی این است که پلیس جایگزین مردم نیست؛ زیرا این حوادث و هنجارشکنیها در آن قسمت از شهر که پلیس هم حضور دارد اتفاق می‌افتد، مانند واقعه خفاش شب که در دل پایتخت اتفاق افتاد. این مسئله وابسته به پلیس نیست، حتی می‌توان گفت که پلیس عامل فردی ایجاد امنیت است و عامل اصلی خود مردم هستند و پلیس، مکمل حضور مردم است.

جالب است بدانید که در بسیاری از موارد بروز آسیبه‌ها، ما یک مجرم بزرگ و یک مجرم کوچک داریم؛ مجرم بزرگ جامعه و مجرم کوچک فرد است. جامعه باید محاکمه شود که چرا چنین پدیده‌ای به وجود آمد و چون هیچ وقت این محاکمه انجام نمی‌شود، به سراغ مجرم کوچک می‌روند (زنگنه، ۱۳۸۳). در آیات نیز تقویت بنیه نظامی و تقویت عده و عده از عوامل ایجاد امنیت در جامعه (انفال / ۶۰) شناخته شده است.

۶-۴. جلب مشارکت مردمی

از عوامل مؤثر در برقراری امنیت، نقش مشارکت مردم است. مسئله امنیت اجتماعی به عنوان یک امر اجتماعی به طور کامل وابسته به مشارکت مردم است. این بدین معنا نیست که بگوییم دولت مسئول نیست، چنانکه شرح وظایف برخی از سازمانها، ایجاد امنیت مطرح شده است، مثل سازمانهای نظامی و انتظامی.

خانواده، گروههای آموزشی، وسایل ارتباط جمعی و احزاب، همه و همه در ایجاد امنیت اجتماعی نقش دارند و هرچه مسئولیت آنها بیشتر شود، مأموریت دولت کم می‌شود و عکس آن این است که هرچه شهروندان فهم کمتری از امنیت اجتماعی داشته باشند، مشارکت کمتری دارند، در نتیجه بار اصلی به دوش دولت می‌افتد.

دولت باید مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه امنیت اجتماعی را داشته باشد و

نمی‌تواند خودش کارگزار و همه‌کاره امنیت اجتماعی باشد. هرچه مشارکت مردم و نهادهای مدنی بیشتر باشد، شاهد کاهش آسیبهای اجتماعی خواهیم بود.

هیچ مسئله‌ای در اجتماع نیست که مردم از حل آن عاجز باشند. اگر مشارکت مردم کم باشد، دولت باید هزینه‌های فراوانی برای جبران این کاهش مشارکت بکند. این فرمول ساده‌ای است که جهان را خداوند اداره می‌کند و جامعه را مردم^۱ (وائقی، ۱۳۸۰: ۲۰۴-۲۰۶).

روشهای جلب مشارکت مردم

الف) آگاهی‌بخشی

برای تقویت رفتار مشارکتی مردم - در هر موضوع و گستره‌ای - لازم است آگاهیهای متناسب و مورد نیاز، به آنان ارائه گردد. وقتی که مردم اهمیت امنیت اجتماعی را نمی‌شناسند و خسارت فقدان آن را در نمی‌یابند و از راههای تحقق آن آگاهی ندارند، چگونه در برقراری آن با دستگاههای مسئول کشور همکاری خواهند نمود؟

در قرآن کریم، آیاتی (انفال / ۶۵) حاکی از نقش آگاهی و فهم و شناخت در عمل و مشارکت اجتماعی است.

بدون تردید، حضور مؤثر مردم در صحنه‌های امنیتی، متضمن ارتباط ذهنی و عاطفی آنان با موضوعات و پدیده‌های امنیتی است. ذهن و دلی که ضرورتها، فایده‌ها و زمینه‌های امنیت اجتماعی را نمی‌شناسد و حس نمی‌کند، چگونه می‌تواند دست و قدم را به میزان همراهی و همگامی بکشانند؟

در زیر به برخی از مهمترین موضوعات و متعلقات این آگاهیها اشاره می‌گردد:

۱. آگاهی از حقوق فردی و اجتماعی؛

۲. آگاهی از خطرها و تهدیدها؛

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «هر کسی که ضرر شر را نشناسد، بر باز ایستادن از او

۱. امام علی علیه السلام هم به نقش و مشارکت مردم در مقابله با اشرار و عوامل ناامنی اجتماعی اشاره فرموده‌اند (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۶).

توانا نیست» (خوانساری، ۱۳۶۶: ۴۱۹/۵) و فرمود: «هر که گمانش بد باشد، تأمل کند» (همان: ۱۳۶). یعنی بدگمانی به محیط و افراد، موجب می‌شود که در ارتباط و معاشرت و معامله با مردم، تأمل و دقت کند و پیش از آزمودن موضوع، بر آن اعتماد ننماید.

۳. آگاهی از ثمرات امنیت.

از آنجا که افراد بشر، به صورت طبیعی و غریزی، به سوی منافع مورد قبول خود حرکت می‌کند، پس هرگاه مردم به آثار، برکات و منافع امنیت و آرامش آگاهی یابند، به طور طبیعی و غریزی برای تأمین و تحقق آن همت می‌گمارند و در صیانت از آن، از هیچ کوششی دریغ نخواهند نمود.

ب) بیان مسئولیتها

شناخت مسئولیتها، تکالیف و فرایض اجتماعی، انسانی و دینی، عامل دیگری برای مشارکت و حضور مردم در صحنه‌های مختلف اجتماعی است. پاره‌ای از مهمترین مسئولیت‌های فردی و اجتماعی عبارتند از:

۱. مسئولیت ستم‌ستیزی؛

۲. مسئولیت نصرت مظلوم؛

امام صادق علیه السلام در ضمن شمارش گناهان کبیره می‌فرماید: «... از جمله گناهان کبیره، ترک یاری ستم‌دیدگان است» (جر عاملی، ۱۳۹۵: ۲۶۲/۱۱).

۳. مسئولیت نهی از منکر.

درک این مسئولیت اجتماعی و فریضه دینی، موجب همکاری مردم با دستگاهها و مسئولان امنیتی و انتظامی خواهد شد.

ج) تحریک وجدان اخلاقی و اجتماعی

یعنی همان حالتی که در تعابیر گوناگونی همچون: حمیت، تعصب، غیرت و رزیدن و حساسیت اجتماعی و سیاسی بیان می‌شود و مفهوم مقابل آن عبارت است از: بی تفاوتی، بی حسی عاطفی و آرامش بیمارگونه در برابر پدیده‌های تلخ و نامطلوب انسانی، اجتماعی و سیاسی.

قرآن کریم، برای ترغیب مردم به جهاد و حضور آنان در صحنه‌های مبارزه با ستمگران، از همین روش سود جسته است. آری، اسلام هرچند که هر سبب و نسبی را در برابر ایمان هیچ و پوچ دانسته، لکن در عین حال، همین هیچ و پوچ را در ظرف ایمان معتبر شمرده است. بنابراین، بر هر فرد مسلمان واجب است که به خاطر برادران مسلمانش، فداکاری کند و غیرت به خرج دهد (طباطبایی، ۱۳۷۶: ۴/۶۲۷).

امام علی علیه السلام، در راستای جلب مشارکت مردم در مبارزه با عوامل ناامنی اجتماعی، به تحریک وجدان اخلاقی و اجتماعی و غیرت و تعصب دینی و انسانی آنان پرداخته است (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۱؛ وائقی، ۱۳۸۰: ۲۰۶-۲۳۰).

۷-۴. مقابله با آسیبهای اجتماعی

اصولاً جامعه باید توان مقابله با تضادهای درونی خویش را داشته باشد و این تضادها را از نقطه‌های آغازین، قبل از اینکه به مرحله بحران برسد مطرح و حل کند و نگذارد که این تضادها مطرح شوند و یا آنقدر بد مطرح شوند که به یک نقطه بحرانی برسند که حتی طرح آن هم برای جامعه مسئله‌ساز باشد. هیچ بحران و پدیده ناهنجار اجتماعی وجود ندارد که از ابتدا در اوج باشد، به حدی که مطرح کردن آن باعث ایجاد دل‌نگرانی شود.

وقتی یک پدیده از سطح فردی و پراکنده خارج شد و به یک محدوده اجتماعی رسید، جامعه باید به تدریج با روشهای مقتضی با آن مقابله کند و راه‌حلهایی برای آن پیدا کند. هر آسیب اجتماعی تابع همین قانون است.

اصولاً جامعه ما مبارزه با آسیب را تمرین نکرده و به بلوغ برنامه‌ای و مدیریتی نرسیده است تا مسائل را در جایگاه و جغرافیای مناسب خودش مطرح و حل کند؛ یکی از دلایل آن، احساس بی‌اعتمادی مدیران در حل مسائل اجتماعی به مردم است؛ مردم بسیاری از این مسائل را می‌توانند حل کنند، اما مشارکت مدنی چندان جدی گرفته نمی‌شود. همیشه این تفکر وجود دارد که در یک ساختار غیر دولتی و جامعه مدنی غیر فعال، دولت باید همه مسائل را حل کند.

بعضی از عوامل مؤثر در افزایش آسیبهای اجتماعی عبارتند از:

الف) فقر^۱

استقرار امنیت اجتماعی، با پیگیری دولت رفاه میسر می‌شود. امنیت اجتماعی یک تولید اجتماعی است که نتیجه تعامل روابط افراد جامعه در بین خود از یک سو و در رابطه با نظام سیاسی از سوی دیگر است. در دو دهه گذشته به ضرورت این تعامل دورپرفه توجهی نشده و امنیت داخلی نادیده انگاشته شده و سیاستهای رفاه و تأمین اجتماعی به صورت بی‌اثری اجرا گردیده که موجب گسترش شدید آسیبهای اجتماعی شده است. ناکارآمدی سیاستهای تأمین اجتماعی و سیاستهای حمایتی و عدم توجه به مسئولیت دولت در حوزه رفاهی و حوزه امنیت داخلی و پیگیری ممتد سیاست عدالت اجتماعی، رشد سیاستهای حمایتی، افزایش یارانه‌های پرداختی مصرفی و... موجب رشد فقر و تضعیف بنیادهای امنیت اجتماعی شده است. فقدان رفاه اجتماعی و گسترش فقر باعث شده که افراد جامعه در سطح نیازهای فیزیولوژیک در تکاپو باشند، به طوری که فرصت شرکت و یا حمایت از مفهوم امنیت ملی را از آنان گرفته است. احساس محرومیت نسبی در افراد جامعه و ارضای نیازهای فیزیولوژیک، زمینه را بر واژگانی چون وفاق اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، مشارکت اجتماعی و... تنگ کرده است. گسترش احساس محرومیت نسبی زمینه شورشهای اجتماعی را نیز فراهم آورده است.^۲

در اینجا قانون‌گذار باید نظارتی کامل بر سیاستها و قانونهای رفاهی داشته باشد و آنها را در جهت کاهش آسیبهای اجتماعی، برنامه‌ریزی و سازماندهی کند.

اجتماع فقیر از فراز یک نشیمن بلندفکری چنین است: جهل، توخس، تملق و چاپلوسی برای یک لقمه نان از هر کجا و به هر قیمت، بی‌شخصیتی و پست‌همتی، خودفروشی بلکه همه‌چیزفروشی از دین، شرف و ناموس گرفته تا هر ارزش انسانی دیگر، عجز و ناتوانی و روبه‌مزاجی، بدبینی به کائنات، خمودی و افسردگی و صدها

۱. برای نمونه ر.ک: توبه/ ۲۸؛ اسراء/ ۳۱؛ صحیفه سجاده، دعای ۱، فراز ۵ و دعای ۵، فراز ۲؛ کلینی، ۱۳۶۵: ۲/۲۴۰؛ مجلسی، ۱۳۶۴: ۳۰۵/۶۶.

۲. آدرس اینترنتی www.foreigninvestment.blogfa.com سرمایه‌گذاری خارجی در ایران = اقتصاد سیاسی و مسئولیت اجتماعی شرکتها/ فروردین ۱۳۸۴.

رذیلت دیگر که به شمار نیاید. بی‌جهت نیست که پیشوایان اسلام، فقر را مقدمه کفر و بی‌ایمانی شمرده‌اند (طیبی شبستری، ۱۳۵۷: ۵۲-۶۰).

ب) بیکاری

قرآن می‌فرماید: «هنگامی که از کار مهمی فارغ می‌شوی به مهم دیگری پرداز» (انشراح/ ۷ و ۸)، هرگز بیکار نمان، تلاش و کوشش را کنار مگذار، پیوسته مشغول مجاهدت باش و پایان مهمی را آغاز مهم دیگر قرار ده.

این برنامه سازنده و مؤثری است که رمز پیروزی و تکامل در آن نهفته است. اصولاً بیکار بودن و فراغت کامل مایه خستگی، کم شدن نشاط، تنبلی و فرسودگی و در بسیاری از مواقع مایه فساد و تباهی و انواع گناهان است. قابل توجه اینکه آمارها نشان می‌دهد که به هنگام تعطیلات مؤسسات آموزشی میزان فساد گاهی تا هفت برابر بالا می‌رود! (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۲۸/۲۷-۱۳۳).

«مشیت الهی» در زمینه رزق و روزی این نیست که خدا بی‌حساب و بدون استفاده از اسباب، به کسی روزی فراوان دهد یا روزی او را کم کند، بلکه مشیت او بر این قرار گرفته است که آن را در لابه‌لای اسباب این جهان جستجو کند که: «أبی الله أن یجری الأمور إلا بأسبابها!»

از آیات قرآن (رعد/ ۲۶) نیز همین معنا به خوبی استفاده می‌شود که خدا روزی هر کس را بخواهد وسیع و روزی هر کس را بخواهد محدود می‌سازد. این سخن به آن معناست که خواستن و مشیت و اراده الهی یک مسئله دل‌بخواه و بی‌حساب نیست، بلکه مشیت خداوند از حکمت او جدا نیست و همیشه روی حساب لیاقتها و شایستگیهاست. به همین دلیل قرآن مجید کراراً انسان را در گرو سعی و کوشش و تلاش و فعالیت خود شمرده و بهره او را از زندگی به میزان سعی و تلاش می‌داند. در این زمینه احادیث فراوانی از پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام وارد شده و تلاش و کوشش برای تحصیل روزی و دوری از بیکاری و پر خوابی و تنبلی را ستوده است (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۵: ۸۵/۵-۸۶؛ حر عاملی، ۱۳۹۵: ۱۷/۵ و ۶۰؛ مجلسی، ۱۳۶۴: ۷۵/۵۹؛ حرانی، ۱۳۸۲: ۲۲۰؛ ر.ک: شیخ صدوق، بی‌تا: ۱۵۷/۳ و ۱۶۹؛ تمیمی، ۱۳۸۵: ۱۴/۲).

ج) اعتیاد و وجود معتادان در جامعه

از عواملی که می‌تواند در افزایش آسیب‌های اجتماعی مؤثر باشد، وجود معتادان در جامعه و مشکلات فراوانی است که به دنبال آن گریبان‌گیر تک‌تک افراد جامعه می‌شود و امنیت اجتماعی و اطمینان خاطر را از آنها سلب می‌کند. مبارزه و برخورد با معضل اعتیاد وظیفه دولت است تا با برخورد صحیح با این معضل اجتماعی، جلوی مشکلات بیشتر را بگیرد.

عوامل مؤثر در گرایش افراد به مصرف مواد مخدر به سیه بخش تقسیم می‌شود: اولین عامل، خود فرد است. در این خصوص عواملی مانند کمبود اعتماد به نفس، تمایل به اعمال زشت و خلاف، عدم آگاهی یا فقدان شناخت لازم نسبت به مصرف مواد مخدر، ناراحتی روانی یا مشکلات شخصیتی، درد یا بیماری‌های جسمی مزمن، نظر مثبت به مواد مخدر، داشتن پیش‌زمینه ارثی، مورد خشونت قرار گرفتن و وضعیت بد تحصیلی می‌تواند فرد را به مصرف مواد مخدر ترغیب کند.

دومین عامل، مربوط به خانواده فرد است. در این خصوص عواملی مانند رها کردن فرزند به حال خود (طردشدگی)، تشنج و درگیری در خانواده و سطح پایین درآمد، در گرایش فرد به مواد افیونی مؤثر است.

سومین عامل، مربوط به محیط است. دوستان ناباب، دسترسی آسان به مواد مخدر و فشارهای ناشی از بحران‌های محیطی به عنوان عوامل محیطی در گرایش افراد به مواد مخدر مؤثر است.

همه معتادان برای تجربه، تفریح و یا اصرار و تشویق دوستان، مصرف مواد را شروع می‌کنند، به تدریج به آن وابستگی پیدا کرده و کنترل خود را در پرهیز از آنها از دست می‌دهند و به مواد مخدر معتاد می‌شوند.

آگاه کردن جامعه از خطرات و مضرات مواد مخدر، تقویت فعالیت‌های جایگزین و افزایش مهارت‌های زندگی مانند مهارت حل مشکل و ارتقای فرهنگی در پیشگیری از گسترش معضل اعتیاد مؤثر می‌باشد.

تجربه نشان داده که فقط ۱۰٪ معتادان ممکن است به ترک تمایل نشان داده و چراغ سبز نشاء دهند. دولت باید همیشه به امر مبارزه با اعتیاد به شکل جدی بنگرد

و راههای توصیه آن را به طور دقیق شناسایی و مسدود کند («اختلاف طبقاتی، فقر، بیکاری و اعتیاد»، نشریه کار و کارگر، ۱۳۸۴). اعتیاد و معتاد چنان از نظر اسلام مذموم و ناپسند است که در احادیث آمده (برای نمونه رک: کلینی، ۱۳۶۵، ۲۴۲/۶؛ شیخ صدوق، بی تا: ۳۴۵/۳؛ ۳۵۶/۴؛ شیخ طوسی، ۱۳۶۵: ۱۰۸/۹ و ۱۲۸؛ حر عاملی، ۱۳۹۵: ۴۵۴/۹؛ ۳۰۸/۱۲؛ محدث نوری، ۱۴۰۸: ۲۳۳/۷؛ ۱۰۹/۱۳؛ مجلسی، ۱۳۶۴: ۸۷/۵؛ ۲۲۳/۷؛ شیخ مفید، الاختصاص، ۱۴۱۳: ۱۰۳؛ سید ابن طاووس، ۱۳۶۷: ۷۰۲؛ شیخ صدوق، ۱۳۶۲: ۴۰۴؛ حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹: ۷۹۰؛ و...) که به شخص یهودی سلام کنید ولی به کسی که معتاد به حشیش است سلام نکنید یا کسی که معتاد به حشیش باشد، محارب با خدا و تمامی انبیاست.

(د) بی حجابی

گسترش دامنه فحشا و ناامنی از پیامدهای بی حجابی است. آمارهای قطعی و مستند نشان می دهد که با افزایش برهنگی در جهان، طلاق و از هم گسیختگی زندگی زناشویی به طور مداوم بالا رفته است؛ چرا که «هرچه دیده بیند دل کند یاد» و هرچه «دل» یعنی هوسهای سرکش بخواهد به هر قیمتی باشد به دنبال آن می رود. در چنین جامعه ای دیگر قداست پیمان زناشویی مفهومی نمی تواند داشته باشد و خانواده ها همچون تار عنکبوت به سرعت متلاشی می شوند و کودکان، بی سرپرست می مانند.

گسترش دامنه فحشا و افزایش فرزندان نامشروع، از دردناک ترین پیامدهای بی حجابی است. عامل اصلی فحشا و فرزندان نامشروع منحصرأ بی حجابی نیست، بلکه یکی از عوامل مؤثر آن، مسئله برهنگی و بی حجابی است. با توجه به اهمیت این موضوع آیاتی از قرآن را داریم که احکام نگاه کردن و چشم چرانی و حجاب را بیان می دارد (نور/ ۳۱).

هنگامی که می شنویم در انگلستان، طبق آمار هر سال پانصد هزار نوزاد نامشروع به دنیا می آید و جمعی از دانشمندان انگلیس در این رابطه به مقامات آن کشور اعلام خطر کرده اند، نه به خاطر مسائل اخلاقی و مذهبی، بلکه به خاطر خطراتی که فرزندان نامشروع برای امنیت جامعه به وجود آورده اند، به گونه ای که در بسیاری از پرونده های جنایی پای آنها در میان است، به اهمیت این مسئله پی می بریم.

می‌دانیم که مسئله گسترش فحشا برای آنها که هیچ اهمیتی برای مذهب و برنامه‌های اخلاقی قائل نیستند فاجعه‌آفرین است، بنابراین هر چیز که دامنه فساد جنسی را در جوامع انسانی گسترده‌تر سازد تهدیدی برای امنیت جامعه‌ها محسوب می‌شود و پیامدهای آن هرگونه حساب کنیم به زیان آن جامعه است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۴۰-۴۴۶).

از آنجا که مفاسد اجتماعی، غالباً تک‌علتی نیست، باید مبارزه با آن، به طور همه‌جانبه شروع شود. جالب اینکه در آیات قرآن برای امنیت جامعه و جلوگیری از مزاحمت افراد هرزه، به زنان باایمان دستور می‌دهد که بهانه‌ای به دست آنها ندهند و با رعایت پوشش مناسب جلوی مشکلات بعدی را بگیرند و سپس آیات قرآن، مزاحمان را با شدیدترین تهدید بر سر جای خود می‌نشانند.

این برنامه‌ای است برای همیشه و همگان، هم دوست را باید اصلاح کرد و هم دشمن را با قدرت بر سر جای خود نشانند. مجازات فحشا و منکر (نساء/ ۱۵ و ۱۶)، از عوامل مؤثر در کاهش آسیبهای اجتماعی و از قوانین کیفری موجود در یک جامعه است که بسته به شدت و ضعف این قوانین، ممکن است آسیبهای اجتماعی کمتر یا بیشتر شوند.

در آیاتی از قرآن اشاره صریح به عمل زنا و مجازات آن داریم (نساء/ ۵) که مصداق صریح آن در جامعه امروزی تجاوز به زنان است که از عوامل سلب امنیت در جامعه می‌باشد. این آیه اشاره به مجازات زنان شوهرداری دارد که به فحشا آلوده شوند.

ه) سرقت و دزدی

فساد و افساد در برخی آیات قرآن مجید در مورد سرقت به کار رفته است (مائده/ ۳۸)، همان طور که برادران یوسف پس از اتهامشان به سرقت گفتند: «به خدا قسم شما می‌دانید ما نیامده‌ایم که در زمین مصر فساد کنیم و ما هرگز سارق نبوده‌ایم» (یوسف/ ۷۳) و در برخی آیات، سرقت و آدم‌ربایی از عوامل سلب امنیت اجتماعی شمرده شده است (انفال/ ۲۶؛ قصص/ ۵۷؛ عنکبوت/ ۶۷).

همچنین تعبیر به فساد فی الارض ما را به یک واقعیت در زندگی اجتماعی انسانها رهنمون می‌شود و آن اینکه مفسد اجتماعی، معمولاً موضعی نخواهند بود و در یک منطقه نمی‌توان آنها را محصور ساخت، بلکه در سطح اجتماع و در روی زمین گسترش پیدا می‌کنند و از یک گروه به گروه دیگر سرایت خواهند کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۰/۲۰۲-۲۰۴).

۱۶۶

کتاب‌شناسی

۱. نهج البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی.
۲. اختلافات طبقاتی، فقر، بیکاری، اعتیاد، نشریه کار و کارگر، پانزدهم مرداد ۱۳۸۴ ش.
۳. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، چاپ چهارم، بی‌جا، مروارید، بی‌تا.
۴. آلن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، تهران، کیهان، ۱۳۷۰ ش.
۵. ابن ابی‌الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۶. ابن حمزه طوسی، الوسيلة الى نيل الفضيله، قم، کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۸ ق.
۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ ش.
۸. تمیمی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، چاپ دوم، مصر، دار المعارف، ۱۳۸۵ ق.
۹. حرّ عامنی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۵ ق.
۱۰. حرّانی، ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول صلوات الله علیهم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲ ش.
۱۱. حسینی استرآبادی، سیدشرف‌الدین علی، تأویل الآيات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، قم، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۹ ق.
۱۲. حکیمی، محمدرضا، جامعه‌سازی قرآنی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
۱۳. حلبی، ابوصلاح، تقریب المعارف، قم، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ ق.
۱۴. حلّی، محمد بن ادریس، مستطرفات السرائر، چاپ دوم، قم، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۱ ق.
۱۵. خوانساری، جمال‌الدین محمد، شرح غرر الحکم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ ش.
۱۶. دیلمی، حسن بن ابی‌الحسن، ارشاد القلوب، قم، شریف رضی، ۱۴۱۲ ق.
۱۷. ربیعی، علی، امنیت مفهومی در حال تکوین، نشریه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره‌های ۱۹۷-۱۹۸.
۱۸. زنگنه، مریم، ایجاد امنیت اجتماعی مستلزم مشارکت بیشتر مردم و کارشناسان است، نشریه قدس، شماره‌های ۱۰ و ۱۱، اسفند ۱۳۸۳.
۱۹. سید ابن طاووس، اقبال الاعمال، چاپ دوم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ش.
۲۰. شوشتری، سید قاضی نورالله، الصوارم المهرقة فی نقد الصواعق المحرقة، تهران، چاپخانه نهضت، ۱۳۶۷ ق.
۲۱. شهید ثانی، کشف الریبه عن احکام النبیّه، چاپ سوم، تهران، مرتضوی، ۱۳۹۰ ق.
۲۲. همو، منیه المرید فی ادب المفید و المستفید، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۹ ق.
۲۳. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، الامالی، چاپ چهارم، تهران، کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
۲۴. همو، من لا یحضره الفقیه، بی‌جا، بی‌تا، بی‌تا.
۲۵. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
۲۶. شیخ مفید، الاختصاص، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۲۷. همو، الفصول المختاره، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۲۸. صحیفه سجادیه، قم، الهادی، ۱۳۷۶ ش.
۲۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، تهران، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، امیرکبیر، ۱۳۷۶ ش.

۳۰. طبیبی شبستری، سیداحمد، فقر از نظر اسلام، بی جا، مؤسسه فرهنگی احسان، ۱۳۵۷ ش.
۳۱. علامه حلی، الالفین فی امامة امیرالمؤمنین علی، چاپ دوم، قم، دار الهجره، ۱۴۰۹ ق.
۳۲. همو، نهج الحق و كشف الصدق، قم، دار الهجره، ۱۴۰۷ ق.
۳۳. فیض کاشانی، محمد، المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء، بی جا، طبقة المدرسین، ۱۳۸۳ ش.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران، اسوه، ۱۳۷۰ ش.
۳۵. متقی، ابراهیم، «ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری جنگهای جدید و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، نشریه ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری جنگهای جدید و امنیت، سال دوم، شماره پنجم، پاییز ۱۳۸۳.
۳۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴.
۳۷. محدث نوری، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق.
۳۸. مطهری، مرتضی، تکامل اجتماعی انسان، تهران، صدرا، ۱۳۷۴ ش.
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۴۰. وائقی، قاسم، تدابیر و سیره عملی علی علیه السلام در تأمین امنیت اجتماعی، تهران، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۰ ش.
۴۱. ورام، ابن ابی فراس، مجموعه ورام، قم، مکتبه الفقیه، بی تا.